

شکل‌گیری اسلام‌شناسی روسی: از مذهب‌گرایی تا بی‌طرفی علمی (نیمه دوم سده ۱۹ - اوایل سده ۲۰)^۱

آنا ماتاچکینا*، میخائیل ستسکویچ**

ترجمه: مریم قدیانلو***، احمد رنجبری حیدرباغی****

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸]

چکیده

این مقاله به تجزیه و تحلیل شکل‌گیری اسلام‌شناسی روسی در نیمه دوم سده ۱۹ تا اوایل سده ۲۰ اختصاص دارد. دانشکده زبان‌های شرقی دانشگاه سن پترزبورگ به سال ۱۸۵۵ افتتاح شد و شعبه ضداسلامی آکادمی دینی کازان در سال ۱۸۵۴ شروع به کار کرد و هر یک مکتبی در اسلام‌شناسی پایه‌گذاری کردند. از این دو مکتب معمولاً با تعابیر مکتب «آکادمیک» و «مسیونری کازان» یاد می‌شود. شخصیت‌های کلیدی مکتب آکادمیک الکساندر قاسمیویچ کاظم‌بیگ (۱۸۰۲-۱۸۷۰)، ویکتور رامانویچ زرن (۱۸۹۴-۱۹۰۸) و واسیلی ولادیمیرویچ بارتولد (۱۸۶۹-۱۹۳۰) ایگناتی یولیانیویچ کراچکفسکی (۱۸۸۳-۱۹۵۱) هستند که مطالعاتشان از مذهب‌گرایی دور بود؛ زیرا آنان بررسی عینی اسلام و فرهنگ مسلمانان را دنبال می‌کردند. اگرچه مانند سایر نقاط اروپا، بسیاری از آنها برتری مسیحیت بر اسلام را در نظر داشتند. در مقابل، مکتب میسونری کازان قرار داشت که آثار ضداسلامی منتشر می‌کرد. میخائیل الکساندرویچ ماشاناف (۱۸۵۲-۱۹۲۴) و یئوفیمی الکساندرویچ مآلف (۱۸۳۵-۱۹۱۸) از نمایندگان این مکتب‌اند. برخی از نمایندگان این مکتب به تدریج جدال‌های مستقیم ضداسلامی را کنار گذاشتند.

کلیدواژه‌ها: اسلام در روسیه، مستشرقان، مکتب میسونری کازان، مکتب آکادمیک سن پترزبورگ، اسلام‌شناسی روسی.

۱. این پژوهش با استفاده از پژوهانه بنیاد علمی روسیه (РНФ) به شماره ۱۰۰۸۳-۱۸-۱۶، با موضوع «مطالعه دین در بستر فرهنگی اجتماعی دوران: تاریخ دین‌شناسی و تاریخ فکری روسیه در قرن ۱۹ تا نیمه اول قرن ۲۰» انجام شده است. مقاله حاضر در مجله علمی پژوهشی حکومت، دین و کلیسا در روسیه و کشورهای دیگر، ۲۰۱۸، ش ۱، ص ۸۲-۱۰۶ منتشر شد: Маточкина А., Стецкевич М. Становление российского исламоведения: между конфессионализмом и научной объективностью (вторая половина XIX — начало XX в.) // Государство, религия, церковь в России и за рубежом. 2018. № 1. С. 82-106.

ترجمه فارسی و انتشار این مقاله در چارچوب پروژه «اسلام و اسلام‌شناسی در روسیه» با حمایت بنیاد ابن سینا (روسیه-مسکو) انجام شده است.

** گروه فلسفه و فرهنگ شرقی، انستیتوی فلسفه دانشگاه دولتی سن پترزبورگ (سن پترزبورگ، روسیه) anna-matochkina@yandex.ru
 *** گروه فلسفه دین و دین‌شناسی، انستیتوی فلسفه دانشگاه دولتی سن پترزبورگ (سن پترزبورگ، روسیه) m.stetskevich@spbu.ru
 **** دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات روسی، بنیاد زبان روسی پوشکین (مسکو)، تهران، ایران m.ghadianlou@yandex.com
 ***** دانشجوی دکتری فلسفه دین و دین‌پژوهی، انستیتوی فلسفه (وابسته به آکادمی علوم روسیه)، مسکو، روسیه (نویسنده مسئول) a.r.heydarbaqi@gmail.com

در روسیه، توجه به شرق و به اسلام به طور ویژه، تا حد بسیار در پیوند با موقعیت ژئوپلیتیک آن به عنوان یکی از مناطق اوراسیایی بوده است. در همین راستا این واقعیت که اسلام، حداقل از قرن پانزدهم، به عبارت واضح‌تر، دین «درونی»^۱ روسیه به شمار می‌آمده، بی‌تأثیر نبوده است. از سوی دیگر، تا سال ۱۹۱۷ مسئله روی‌آوری همه خارجی‌ها به دین ارتدوکس از دستور کار حذف نشده بود. با اینکه از زمان حکومت کاترین دوم (۱۷۶۲-۱۷۹۶) سیاست آزادی ادیان به صورت قانونی تثبیت شد. این بدین معنا بود که حیات ادیان دیگر در روسیه، تحت کنترل شدید حکومتی ممکن می‌شد. در آن زمان، فقط کلیسای ارتدوکس که جایگاه دین «مقدم و حاکم» را داشت، از حق نشر تعالیم برخوردار بود. این اوضاع و احوال بر چگونگی سیر اسلام‌شناسی در روسیه تأثیر گذاشت و باعث به وجود آمدن گرایش دینی قدرتمندی تحت عنوان ارزیابی «حقانیت» اسلام از موضع [مسیحیت] ارتدوکس شد؛ که وجود این رویکرد در جریان اسلام‌شناسی، میزان بی‌طرفی در تحقیقات را به شدت کاهش می‌داد.

نخستین ترجمه‌های قرآن در قرن هجدهم از زبان‌های اروپایی به روسی به همت د. ک. کانتیمیر، ام. ای. ویرفکین، آ. و. کالماکف صورت گرفت. در سال ۱۷۲۲ به دستور پتر کبیر اثر بنیادین کتاب *سیستیمای کانتیمیر* (۱۷۲۲) درباره اسلام به چاپ رسید. نویسنده این کتاب، دیمتری کانتیمیر (۱۶۷۳-۱۷۲۳)، حاکم مولداوی بود که بعد از مهاجرت به روسیه به عنوان «مشاور پتر کبیر در امور شرق» خدمت می‌کرد. کتاب *سیستیمای* از شش بخش تشکیل شده و حاوی اطلاعات گوناگونی درباره اسلام است. نویسنده اثر خود را بر اساس مشاهدات شخصی و منابعی اغلب به زبان عربی و ترکی نگاشته است. با اینکه کتاب مذکور از موضع مسیحیت نوشته شده، اما بیشتر از آنکه انتقادی باشد اثری دائرةالمعارف‌گونه به شمار می‌رود و می‌توان آن را اولین پژوهش بکر و ابتکاری به زبان روسی دانست که تمام اطلاعات موجود درباره اسلام و وضعیت امپراتوری عثمانی در اواخر قرن هفدهم را در خود دارد.

موزه آسیایی آکادمی علوم سن پترزبورگ به عنوان نخستین مرکز اسلام‌شناسی روسیه در سال ۱۸۱۸ بنیان گذاشته شد. این موزه مهم‌ترین مخزن نسخ خطی شرقی، از جمله

منابعی درباره تاریخ و آموزه‌های اسلامی است. اوایل قرن نوزدهم گروه زبان‌های شرقی در دانشگاه‌های مسکو، خارکوف و کازان تشکیل شد. در اینجا به صورت ویژه باید به دانشگاه کازان اشاره کرد که در نیمه اول قرن ۱۹ به مرکز بزرگ شرق‌شناسی تبدیل شد. الکساندر قاسموویچ کاظم‌بیگ (۱۸۰۲-۱۸۷۰)، یکی از بنیان‌گذاران اسلام‌شناسی در روسیه، در همین دانشگاه فعالیت علمی خود را آغاز کرد. با اینکه پدرش الاهی‌دانی مسلمان بود، اما وی در سال ۱۸۲۳ تحت تأثیر مبلغان اسکاتلندی، مسیحی شد و شیوه مسیحیت پرسببتری^۲ را در پیش گرفت. کاظم‌بیگ به زبان‌های ترکی، تاتاری، عربی، فارسی، روسی و انگلیسی کاملاً مسلط بود. همین امر به او امکان می‌داد با منابع دست اول و همچنین جدیدترین تحقیقات دانشمندان اروپایی در زمینه تاریخ و فرهنگ مردمان خاورمیانه آشنا شود (دانتسیگ، ۱۹۶۸: ۳۵). در سال ۱۸۵۵ گروه شرقی دانشگاه کازان تعطیل شد و استادان و دانشجویانش به دانشکده زبان‌های شرقی (ФВЯ) منتقل شدند که در همان سال در دانشگاه سن پترزبورگ دایر شد. تقریباً هم‌زمان، در سال ۱۸۵۴، چهار بخش تبلیغات دینی در آکادمی دینی کازان (КДА) افتتاح شد که یکی از آنها بخش تبلیغات «ضد اسلام» بود. اینها فقط تشکیل دو مرکز بزرگ تربیت اسلام‌شناسان نبود؛ در واقع، با این اتفاقات دو مکتب اسلام‌شناسی ایجاد شد: مکتب آکادمیک در سن پترزبورگ و مکتب تبلیغات دینی در کازان؛ البته در کنار آنها نوعی مکتب کاربردی^۳ اسلام‌شناسی هم وجود داشت.

در این مقاله به علت تنوع و چندوجهی بودن اطلاعات مندرج در گزارش‌های نمایندگان سیاسی و مکتشفان، یادداشت‌های سیاحان، زائران، قصه‌ها، جستارها و منابع اطلاعاتی که نیازمند انجام پژوهش‌های تخصصی است، بر مکاتب کازان و آکادمیک متمرکز شده‌ایم. بدون شک، گفتمان‌های مختلف شرق‌شناسی، نقاط اشتراکی داشتند که زبان مشترک توصیف اسلام را به وجود می‌آورد (بسمرتنایا، ۲۰۱۷: ۱۴۴-۱۴۵).

هدف این مقاله، تحلیل اهداف اصلی توسعه مهم‌ترین مکاتب اسلام‌شناسی در روسیه (مکتب آکادمیک و مکتب تبلیغاتی کازان) در مرحله ایجاد، و مقایسه رویکردهای آن دو به مطالعه اسلام است. مهم‌ترین منابع ما، تحقیقاتی است که اسلام‌شناسان کازان و سن

پترزبورگ منتشر کرده‌اند. چارچوب زمانی کار، اواسط قرن نوزدهم، سال‌های دهه ۵۰ تا سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰ است. نباید گفت هیچ مطالعه‌ای درباره موضوعات مربوط به شکل‌گیری اسلام‌شناسی در روسیه انجام نشده است. قبل از همه، بزرگ‌ترین نمایندگان مکتب آکادمیک به این موضوع توجه کردند (از باب مثال نک: باتونسکی، ۲۰۰۳؛ دالینینا، ۱۹۹۴؛ میراث میرزا کاظم‌بیگ: ۲۰۱۴-۲۰۱۵؛ تلتس، ۲۰۱۳). مدت‌های طولانی، برای دستاوردهای مکتب تبلیغاتی کازان در زمینه مطالعه اسلام در روسیه، ارزش چندانی قائل نمی‌شدند. فقط در سه دهه اخیر اوضاع فرق کرده است (از باب نمونه، نک: خاببولین، ۲۰۰۴؛ آلیکسیف، ۲۰۰۱: ۸۴-۹۷؛ والیف، ۱۹۹۸: ۱۹۸-۲۱۸؛ تاریخ شرق‌شناسی، ۱۹۹۷: ۳۵-۴۴). به طور کلی، فعالیت دو مکتب و شخصیت‌های برجسته‌شان بررسی می‌شد و بسیاری از آثاری که به‌خصوص در کازان منتشر می‌شد، آن‌طور که باید محل توجه قرار نمی‌گرفت.

از مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب آکادمیک، این است که سعی دارد پیدایش و تکامل اسلام را در بستر گسترده تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نشان دهد. به تعبیر نمایندگان مکتب آکادمیک، همچون الکساندر فاسمُویچ کاظم‌بیگ، ویکتور رامانویچ رُزن (۱۸۹۴-۱۹۰۸) و واسیلی ولادیمیرویچ بارتولد (۱۸۶۹-۱۹۳۰) عملاً اسلام‌شناسی از شرق‌شناسی جدا نبوده است. این موضوع هم پیامدهای مثبت و هم پیامدهای منفی داشته است. ایگناتی یولیانویچ کراچکُفسکی، آکادمیک بزرگ روس، متخصص زبان عربی و اسلام‌شناس، هنگام ارزیابی یکی از کارهای بارتولد نوشته بود: «گاهی تلاش برای حفظ بستر تاریخی حقیقت باعث می‌شود خود دین به عقب رانده شود» (کراچکُفسکی، ۱۹۵۸: ۳۵۵/۵). این نظر، خیلی از کارهای نمایندگان مکتب آکادمیک را در بر می‌گیرد.

تمایل به جمع‌آوری، تحلیل و انتشار منابع دست اول، از جمله نسخ خطی عربی، دومین خصوصیت این مکتب به شمار می‌آید که معلومات زبانی عمیقی را می‌طلبد. سوم اینکه، اسلام‌شناسان آکادمیک از دین‌گرایی، حداقل در شکل علنی‌اش فارغ بودند و به دنبال مباحثه با اسلام هم نبودند تا بتوانند از این رهگذر تا حد امکان اسلام را بی‌طرفانه ارزیابی کنند.

شکل‌گیری اسلام‌شناسی روسی: از مذهب‌گرایی تابی طرفی علمی / ۸۳

محققان دانشکده زبان‌های شرقی، بیشترین سهم را در توسعه مکتب آکادمیک داشته‌اند. به پیشنهاد اولین رئیس این دانشکده، الکساندر قاسم‌ویچ کاظم‌بیگ، دوره‌های آموزش تاریخ به برنامه درسی دانشکده اضافه شد. دانشکده زبان‌های شرقی در کنار تربیت متخصص در زمینه مطالعه زبان‌ها و تاریخ شرق، بر روابط خود با شرق‌شناسان اروپایی نیز می‌افزود. این دانشکده در سال ۱۸۶۰، ژ. ت. رنو (Рено, Жозеф Туссен / Joseph Toussaint Reinaud)^۴ و گ. ل. فلیشر (Флейшер, Генрих Леберехт / Heinrich Leberecht Fleischer)^۵ (۱۸۶۷-۱۷۹۵) و (۱۸۰۱-۱۸۸۸)، کارشناسان معروف زبان عربی را به عنوان اعضای افتخاری خود برگزید.

کارهایی که کاظم‌بیگ در پترزبورگ درباره تاریخ نهضت مریدی و امام شامل در قفقاز، و باب و بایبان در ایران (کاظم‌بیگ، ۱۸۵۹: ۱۸۲-۲۴۶؛ همو، ۱۸۶۵) انجام داد او را در رده اولین محققان روسی و اروپایی در زمینه اسلام قرار داد. هرچند به عقیده آکادمیک، ای. یو. کراچکفسکی، واژه‌یاب جامع قرآن (کاظم‌بیگ، ۱۸۵۹) کاظم‌بیگ برای استفاده چندان مناسب و سهل‌الاستفاده به نظر نمی‌رسید (کراچکفسکی، ۱۸۵۹: ۹۰/۵)؛ با این حال مدت‌ها برای کارشناسان به منظور مطالعه قرآن و منابع دست اول اسلامی لازم بود. در آثار کاظم‌بیگ اغلب از واژه‌هایی چون «تعصّب»، «خشونت و تندی» و «چرند و مزخرف‌بودن» راجع به اسلام استفاده می‌شود. البته او برای تشریح بی‌طرفانه مطالب، به طور جدی درباره اسلام بحث نمی‌کرد. وی گرچه به وضوح از «نرسیدن محمد [ص] به حقیقتی که او در مسیحیت درک کرده» (کاظم‌بیگ، ۱۸۶۰: ۲۸۹) اظهار تأسف می‌کند، ولی در معرفی سیمای معنوی بنیان‌گذار اسلام، با حسن نظر کامل از مکاشفات معنوی او می‌نویسد (همان: ۲۸۶-۲۹۰).

و. ر. رُزن (۱۸۴۹-۱۹۰۸)، آکادمیک (عضو فرهنگستان) و فارغ‌التحصیل دانشکده زبان‌های شرقی، فعالیت علمی خود را در دهه هفتاد قرن ۱۹ آغاز کرد. او نقش بسزایی در شکوفایی شرق‌شناسی روسی در بازه زمانی قرن ۱۹ و ۲۰ داشت. مهم‌ترین ویژگی رویکرد رُزن در مطالعه اسلام و فرهنگ عربی اسلامی، تمایل به پوزیتیویسم برآمده از غرب بود که بر صحت گزاره‌های «تجربی علمی» تکیه دارد (باتونسکی، ۲۰۰۳: ۱۸). او در نقد کتاب م. آ. ماشاناف، اسلام‌شناس کازانی، [بر همین مسئله] تأکید کرده بود: «تنها راه رسیدن به حقیقت،

اثبات واقعیت تاریخی با کمک بررسی دقیق اخبار مرتبط با آن و نقد نظام‌مند منابع است» (یادداشت‌های بخش شرقی انجمن باستان‌شناسی امپراتوری روس، ۱۸۸۷: ۲۸۸/۲). رُزن به مدت ده سال (۱۸۹۳-۱۹۰۲) ریاست دانشکده زبان‌های شرقی را بر عهده داشت و فعالیت در این منصب به زندگی‌اش جهت داد. رُزن با تمرکزگرایی شرق‌شناسی در روسیه مخالف بود. به عقیده وی، باید در دانشکده‌های تاریخ و زبان‌شناسی همه دانشگاه‌های روسیه و قبل از همه دانشگاه مسکو، گروه زبان‌های شرقی تشکیل می‌شد (دانتسیگ، ۱۹۶۸: ۱۲۳). اگرچه رُزن آثار بنیادی اسلام‌شناسی خلق نکرده است، ولی نقش ممتاز او در تکامل شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی روسیه بر کسی پوشیده نیست (کراچکفسکی، ۱۹۵۸: ۹۸/۵-۱۰۱؛ باتونسکی، ۲۰۰۳: ۷/۳-۶). با تلاش‌های او در سال ۱۸۸۶، چاپ اولین مجله علمی شرق‌شناسی روسیه، با نام *یادداشت‌های بخش شرقی انجمن باستان‌شناسی روسیه* آغاز شد که اقبال جهانی یافت. یکی از جالب‌ترین بخش‌های مجله، تحت عنوان «نقد و کتاب‌شناسی»، به نقدهای نوشته‌شده برای آثار جدید شرق‌شناسان غربی و داخلی اختصاص داشت. غالباً نقد و بررسی آثاری را که در آنها به تاریخ اسلام نقبی زده می‌شد خود رُزن تهیه می‌کرد. رُزن با بسیاری از شرق‌شناسان برجسته آن زمان، از جمله ر. دُزی (Reinhart Dozy / Рейнхарт Дози)، م. ت. هوتسما (Martijn Theodoor Houtsma / Мартин Теодор Хаутсма)، ش. شِفِر (Schefer Auguste Charles Henri / Шарль Анри Огюст Шефер) و ت. نُلدکه (Theodor Nöldeke / Теодор Нёльдеке) (۱۸۳۶-۱۹۳۰)^۹ مکاتبه می‌کرد. او با اسلام‌شناس مجارستانی، ای. گُلدزیهر (Ignác (Yitzhaq Yehuda) Goldziher / Игнац Гольдциер) (۱۸۵۰-۱۹۲۱)^{۱۰} روابط دوستانه‌ای داشت.^{۱۱} به واسطه ارتباطات رُزن، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی روسی به تدریج وارد اروپا شد. به جز این، او می‌کوشید بیشتر از تحلیل سیاسی تاریخی، به تحلیل فرهنگ دینی اقوام مسلمان تکیه کند.

آثار اسلام‌شناسی و. و. بارتولد (۱۸۶۹-۱۹۳۰)، یکی از شرق‌شناسان تاریخ‌دان برجسته اوایل قرن ۲۰، آکادمیک و یکی از شاگردان رُزن، تا امروز هم دارای اهمیت‌اند. اگرچه ممکن است برخی دیدگاه‌ها و استنتاجات او امروز محل مناقشه باشد، اما حجم عظیمی از اطلاعات

اصیل به‌دست آمده از منابعی که اولین بار بارتولد وارد جریان علمی کرده، امکان مطالعات آتی درباره اسلام را تا حد بسیار گسترش داده است. بارتولد در سال ۱۹۱۲ سردبیر مجله جهان اسلام شد که انجمن امپراتوری شرق‌شناسی منتشر می‌کرد. او در مقاله سردبیر (ابتدای شماره اول) متذکر شده بود: «هدف مجله، بررسی همه تأثیرات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... تأثیرگذار در گذشته و آینده بر واقعیت زندگی اقوام و حکومت‌های اسلامی، در کنار مبانی دینی فرهنگ اسلامی، و نیز تمایلات و آرمان‌های برجسته‌ترین نمایندگان آنها است» (بارتولد، ۱۹۲۲: ۱). وی همچنین تأکید کرده بود، در آن مجله، موضوعات اسلامی بی‌طرفانه و فارغ از گرایش‌های اسلامی و ضداسلامی بررسی خواهد شد (همان: ۳).

پژوهش بارتولد با عنوان «خلیفه و سلطان» در مجله جهان اسلام منتشر شد. او در این اثر، روند تکامل مناسبات میان دین و حکومت غیردینی را ردیابی کرد و بدین نتیجه رسید که بعد از حکومت دین‌سالاری دوران محمد [ص] و خلفای راشدین، حاکمان و خلفا «می‌بایست با وجهه ساختگی خود، حکومت غیردینی‌شان را تقدیس بخشند» (بارتولد، ۱۹۱۲: ۳۵۰). او ثابت کرد که سلاطین ترک نمی‌بایست حق خلافت (حاکمیت دینی کل جهان اسلام) می‌یافتند (همان: ۳۹۸-۴۰۰). متأسفانه پروژه منشوراتی همچون جهان اسلام با وجود آینده درخشان، خیلی زود به پایان رسید. بارتولد تمایل نداشت نشریه آکادمیک را به ابزاری سیاسی تبدیل کند. در واقع، وزارت کشور، به عنوان حامی مالی مجله خواسته بود مجله پاسخ‌گوی منافع اجرایی حکومت باشد. همین باعث شد اواخر سال ۱۹۱۲ بارتولد از سمت سردبیری مجله استعفا کند (نک: بکین، ۲۰۱۷: ۲۵۴-۲۶۶). در همان زمان، برخی از محققان معتقد بودند بارتولد هم به دنبال رُزن، به «اروپامحوری پنهان» باور دارد و گاه «مأموریت روسی برای ایجاد تمدن در آسیای مرکزی» را تحسین می‌کرده است (باتونسکی، ۲۰۰۳: ۱۷۳ و ۱۷۶).

بارتولد در سال‌های آغازین حکومت شوروی سه اثر درباره اسلام منتشر کرد؛ آثاری نه‌چندان مفصل ولی فوق‌العاده مهم و جامع.^{۱۲} علاوه بر موضوعات تاریخ اسلام، مسائل روز، از جمله اصلاح‌گرایی و مدرن‌گرایی در اسلام نیز در این آثار انعکاس یافته است. این

دانشمند، با مقایسه اسلام و مسیحیت تأکید می‌کند که در چند قرن اول بعد از پیدایش اسلام، رواداری ویژه‌ای در فرهنگ اسلامی وجود داشته است (بارتولد، ۱۹۱۸: فرهنگ/اسلام، ص ۱۹-۲۲). به عقیده او، اسلام «بیش از مسیحیت توانسته است آرمان‌های برادری و برابری را تحقق بخشد» (همان: ۹۱). به عقیده بارتولد، شکاف‌های ایجادشده در سال‌های اول پیدایش اسلام برخلاف مسیحیت، نه به واسطه مجادلات کلامی‌الاهیاتی، که به دلیل مبارزه برای کسب قدرت بوده است (همان: ۴۴-۴۵ و ۷۰). بارتولد نظریه معروف آن زمان ذیل نام «خواب عمیق» را قاطعانه رد کرد؛ خوابی که جهان اسلام تا وقتی که اروپایی‌ها آنها را در قرن ۱۹ بیدار کنند، در آن فرو رفته بود (بارتولد، ۱۹۱۸: فرهنگ/اسلام، ص ۱۰۶). اولین جستار تاریخ‌نگاری روسیه درباره گسترش اسلام‌شناسی در غرب و روسیه نیز نوشته بارتولد بود که از جذابیت بسیار برخوردار است (بارتولد، ۱۹۲۲: ۶۶-۸۱). در این میان، برخی از پیش‌بینی‌ها و گمانه‌های او نیز درست از آب درنیامد؛ مثلاً اینکه به سبب «پیشرفت فرهنگی»، اسلام «فقط یک دین خواهد شد؛ دینی که ادعایی برای تحت تابعیت درآوردن تمام حکومت و زندگی اجتماعی ندارد» (بارتولد، ۱۹۱۸: اسلام، ص ۹۱).

الکساندر ادواردوویچ شمیدت (۱۸۷۱-۱۹۳۹)، یکی دیگر از شاگردان و. ر. رُزن، نیز جزء مهم‌ترین نمایندگان اسلام‌شناسی آکادمیک به حساب می‌آید. به گفته ای. یو. کراچکفسکی، وی مکتب رُزن را با تجارب مکتب برجسته‌ترین اسلام‌شناس، یعنی ایگناس گلدزیه‌ر، تکمیل کرده است (کراچکفسکی، ۱۹۵۸: ۱۰۳/۵). شمیدت به دنباله‌روی از گلدزیه‌ر، نظریه تکامل تدریجی اسلام را تکمیل کرد؛ اما برخلاف دانشمند مجاری، بر تحلیل حقوق اسلامی تکیه می‌کرد. حقوقی که به عقیده او رشد نکرده و قابلیت خود را برای تطبیق‌پذیری با شرایط زندگی عملی از دست داده است (شمیدت، ۱۹۱۲: ۱۸۹). شمیدت اولین شرق‌شناس روسی بود که الاهیات و فلسفه اسلامی اواخر سده‌های میانه را بررسی کرد. او در سال ۱۹۱۴ با موفقیت از رساله کارشناسی ارشدش با موضوع شعرانی، صوفی مصری قرن ۱۶، دفاع کرد. شمیدت در این رساله، علاوه بر حقوق اسلامی و الاهیات نظری، به موضوعات عرفان اسلامی نیز پرداخته بود (شمیدت، ۱۹۱۴).

شکل‌گیری اسلام‌شناسی روسی: از مذهب‌گرایی تابی طرفی علمی / ۸۷

شمیدت در ۱۹۱۷ دانشیار انستیتو لازارف^{۱۳} در مسکو شد. او اولین گروه اسلام‌شناسی را در دانشکده زبان‌های شرقی تشکیل داده بود. پیش‌قدمی شمیدت در تشکیل این گروه، موافقت جمعی شورای دانشگاه پتروگراد، در جلسه مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۱۸، برای تدریس حقوق اسلامی و برخی دروس دیگر در این بنیاد را در پی داشت. در ۱۹۲۱ این گروه تعطیل شد؛ شاید به این دلیل که شمیدت در ۱۹۲۰ به تاشکند اعزام شد. او آنجا ریاست دانشکده تاریخ و زبان‌شناسی دانشگاه ترکستان را عهده‌دار شد. گروه زبان عربی و اسلام‌شناسی بنیاد شرقی ترکستان (تاشکند) که شمیدت از ۱۹۲۰ رئیس آن بود، عمر بیشتری داشت. اما آن هم در نهایت منحل شد و در واقع به دلایل ایدئولوژیک، تدریس دروس اسلام‌شناسی کلاً تعطیل شد (نک: بکین، ۲۰۱۶: ۷۷-۹۵).

تا سال ۱۹۱۸، آگافانگل ییفیماویچ کریمسکی (۱۸۷۱-۱۹۴۱) در بنیاد لازارف تدریس می‌کرد. کریمسکی دانش‌آموخته بنیاد لازارف و دانشکده تاریخ و زبان‌شناسی دانشگاه مسکو بود. او هم در فعالیت‌های علمی دارای قابلیت بود و هم استعداد ادبی و توانایی خوبی در ترویج مطالب داشت. در واقع، در نتیجه زحمات او بود که کتاب‌خانه جامعی از کتب اسلام‌شناسی ایجاد شد. کریمسکی مقالات متعددی از جمله «قرآن»، «محمد [ص]» و «سنت» در *دائرةالمعارف براكهاوس و یفُرُن (ЭСБЕ)*^{۱۴} به چاپ رسانید. م. آ. باتونسکی می‌گوید کریمسکی وقتی از اسلام می‌نویسد حسن نظر خود را به مسیحیت کتمان نمی‌کند؛ این در حالی است که از افکار میسیونری هم به دور است (باتونسکی، ۲۰۰۳: ۱۰۵/۳). البته این تنها وجه تمایز آثار کریمسکی از آثار بارتولد و شمیدت نیست. کریمسکی هم رویکرد نژادی خاص آن زمان را داشت؛ عرب‌ها و فارس‌ها را در مقابل ترک‌های «تحمّل‌ناپذیر» قرار می‌داد که اسلام را به «دین خرافه‌گرا و واپس‌گرا» تبدیل کرده بودند (کریمسکی، ۱۹۰۴: XII). به نظر کریمسکی، «خرافه‌پرستی» اسلام که آن زمان بسیاری از مقاله‌نویسان درباره‌اش می‌نوشتند، بیشتر از آنکه جنبه دینی داشته باشد، جنبه ملی داشت (همو، ۱۸۹۹: ۵۲-۵۹ و ۱۱۳-۱۱۴). کریمسکی در توصیف تاریخ اسلام به ای. گلدزیهر و ر. دُزی بسیار وابسته است. البته نظریه دُزی درباره «بی‌حرکی» اسلام را به شدت رد می‌کند.

مهم‌ترین دستاوردهای علمی ایگناتی یولیانویچ کراچکفسکی (۱۸۸۳-۱۹۵۱)، به‌ویژه ترجمه قرآن او به زبان روسی، به دوران حکومت شوروی مربوط می‌شود. کراچکفسکی بعد از تحصیل در دانشکده زبان‌های شرقی، برای مأموریت علمی (۱۹۰۸-۱۹۱۰) به سوریه و مصر رفت. در نتیجه این مأموریت، او به زبان عربی (ادبی و محاوره) تسلط یافت و با زندگی و فرهنگ کشورهای عرب آشنا شد. اثر او با عنوان جستارهایی درباره تاریخ عرب‌شناسی در روسیه که در ۱۹۵۰ منتشر شد، در کنار جلد‌های دوم و سوم روسیه و اسلام، اثر م. آ. باتونسکی، مهم‌ترین تحقیقی است که روند شکل‌گیری اسلام‌شناسی در روسیه را تشریح می‌کند.

اما مکتب تبلیغاتی کازان، همان‌طور که از نامش پیدا است، مستلزم وجود اصول مباحثه و جدل بود. از همان ابتدا در آکادمی دینی کازان (بازسازی در سال ۱۸۴۲)، چنین برنامه‌ریزی شده بود که مباحثات با اسلام، با تکیه بر دانش عمیق راجع به اصل و تاریخ اسلام انجام شود، که لازمه‌اش یادگیری زبان‌های مرتبط بود. سال ۱۸۴۵ گروه زبان‌های عربی، تاتاری و ترکی در آکادمی دینی کازان دایر شد که آ. ک. کاظم‌بیگ در این گروه تدریس می‌کرد. شاگرد او، نیکالای ایوانویچ ایلمینسکی (۱۸۲۲-۱۸۹۱)، بلافاصله پس از فارغ‌التحصیلی از آکادمی در سال ۱۸۴۶، همان‌جا شروع به کار کرد. ایلمینسکی در سال ۱۸۵۱ برای مطالعه زبان‌های عربی و عبری و تاریخ و وضعیت اسلام معاصر، عازم سفری طولانی به مصر و سوریه شد. این نخستین باری بود که استاد آکادمی دینی روسیه به مأموریت علمی خارج از کشور اعزام می‌شد. پس از آن، استادان بخش ضداسلامی، میخائیل الکساندروویچ ماشاناف (۱۸۸۵-۱۸۸۷) و پانتیلیمان کریستوویچ ژوزه (۱۹۰۹-۱۹۱۰) سفرهای مشابهی داشتند.

ایلمینسکی بعد از آنکه در سال ۱۸۵۴ از خاورمیانه بازگشت، دو سال تنها استاد بخش ضداسلامی بود. مأموریت این بخش، مطالعه «سرگذشت محمد [ص] تا حد امکان با جزئیات و دین اسلام بر اساس منابع اسلامی» و زبان‌های تاتاری و عربی بود («اخباری از بخش تبلیغاتی»، ۱۸۷۳: ۶-۷). با این صورت‌بندی، بستر خوبی برای رشد فعالیت تحقیقاتی

شکل‌گیری اسلام‌شناسی روسی: از مذهب‌گرایی تا بی‌طرفی علمی / ۸۹

فراهم شد. خود ایلمینسکی تا حد بسیار به این موضوع کمک کرده بود. او اعتقاد داشت برنامه حکومتی برای «روسی‌سازی»^{۱۵} غیرروس‌ها باید پیش از هر چیز از طریق روشنگری آنان اجرا شود و نه از طریق مباحثه و جدل مستقیم با [اصل] اسلام. نکته شایان توجه اینکه او شاگردان خود در آکادمی را، برای رویارویی با تاتارها آماده می‌کرد و [می‌دانست] که حتی «کوچک‌ترین مخالفت با محمد [ص]» را تاتارها تأیید نخواهند کرد. از نظر ایلمینسکی، آنچه اهمیت داشت کسب علم بود؛ «علمی که می‌توانست میل به تفکر مستقل و بی‌طرفانه و مطالعه زبان‌ها و اعتقادات مسلمانان را پرورش دهد» (زنامینسکی، ۱۸۹۲: ۴۰۱-۴۰۲).

رئیس آکادمی، اسقف ایون (آبالنسکی) و اسقف اعظم، آفاناسی (ساکالوف)، اصلاً از روش ایلمینسکی راضی نبودند. آفاناسی در جلسه امتحانی از دانشجویها خواست فقط اصل اسلام را بدون شرح مفصل رد کنند. ایون هم مطالعه قرآن را کاری «اضافی» و «بی‌ارزش» توصیف، و تأکید کرد، هدف کلاس، «هدایت شاگردان برای جلب مسلمانان به سمت مسیحیت است، نه به نظم درآوردن اسلام [و مطالعه نظام‌مند]» (همان: ۱۰۸ و ۱۲۵). ایلمینسکی به علت مظنون بودن به علاقه‌مندی به اسلام، در ۱۸۵۸ کار در آکادمی را پایان بخشید؛ اما سنت مطالعه علمی اسلام که وی و گردی سیمیونوویچ سابلوگوف (۱۸۰۳-۱۸۸۰) (فعالیت در آکادمی: ۱۸۴۹-۱۸۶۲) پایه‌گذاری کرده بودند تا تعطیلی آن بخش در سال ۱۹۲۰ ادامه داشت (و نهایتاً آکادمی در ۱۹۲۱ کلاً تعطیل شد).

مجموعه تبلیغاتی ضداسلامی که از ۱۸۷۳ تا ۱۹۱۴ آکادمی دینی کازان منتشر می‌کرد جالب است. ابتدا قرار بود نشریه‌ای تبلیغاتی باشد. سال ۱۹۷۲ پروفیسور یئوفیمی آکساندروویچ مآلف به شورای آکادمی پیشنهاد کرد که آثار ترمی دانشجوین بخش ضداسلامی به علت کمبود شدید نوشته‌جات جدلی ضداسلامی در این نشریه به چاپ برسد (نک: تیرنفسکی، ۱۸۹۲: ۴۹). اما فقط دو شماره از میان ۲۴ شماره به چاپ رسیده (اغلب شامل دو تا سه نوشته از نویسندگان مختلف) مستقیماً به جوانب نظری و عملی فعالیت‌های میسیونری اختصاص داشت. در سه تا چهار نوشته، اصلاً موضوع اسلام جایگاه در خور

توجهی نداشت و نویسندگان عمدتاً بر روی اثبات «حقیقت» مسیحیت تمرکز کرده بودند. بقیه کارها هم به دایره وسیعی از موضوعات اشاره می‌کنند. شش شماره به تحلیل قرآن، شش شماره به تحلیل جوانب مختلف فعالیت پیامبر اسلام، محمد [ص]، و چهار شماره به تحلیل عبادات مسلمانان پرداخته است. دو شماره هم به موضوعات زیر اختصاص یافته است: بررسی اعتقادات اسلامی و تحلیل مقایسه‌ای تخصصی یهودیت و اسلام، و مسیحیت و اسلام. در آخر هم هر یک از موضوعات جهاد، حج، قبله، پرستش قدیسان، عقد، فعالیت معتزلی‌ها، اعتقادات اعراب پیش از اسلام در یک اثر بررسی شده است. و. ر. رُزن با توجه به تنوع موضوعات این مجموعه گفته بود: کمیسیون نشر آثار، دید وسیعی داشته و «تنها هدفش، انتشار مقالات جدلی نبود و در واقع سعی شده ... آشنایی با اسلام از طریق تحقیقات علمی صورت بگیرد» (یادداشت‌های بخش شرقی انجمن باستان‌شناسی امپراتوری روس، ۱۸۸۷: ۳۹/۱).

بدون تردید، دینی‌بودن و تندی مباحثات، ویژگی اصلی تقریباً همه این آثار بود. مؤلفان این نوشته‌ها، بهترین دانشجویان بخش ضداسلامی، و بعداً استادان آکادمی بودند که به روش‌های مختلف می‌کوشیدند «صراحتاً نشان دهند دین محمد [ص] کذب و پوچ است» (فارتوناتوف، ۱۸۷۵: ۳) و در مقایسه با یهودیت و مسیحیت، تکراری و فاقد استقلال بود. اغلب دلایلی که برای اثبات دروغ‌بودن اسلام اقامه شده متقاعدکننده نیست و گاه این براهین ساده‌لوحانه به نظر می‌رسد. مثلاً ن. رازوماف برای اثبات کذب‌بودن پیامبری محمد [ص] چنین دلایلی می‌آورد: او برخلاف عیسی مسیح و موسی معجزه‌ای نداشته است؛ در شهوت غرق بوده و خون ریخته است (رازوماف، ۱۸۷۶: ۲۲۹-۲۳۰). به عقیده آ. فیلمنوف مشکل این است که اولین مسلمانان، دانش مربوط به مسیحیت را از بدعت‌گذاران و افراد فاسدالعقیده گرفته‌اند. به همین دلیل هم برای اصلاح اوضاع، کافی است آن تعالیم را به طور کامل ... از کلیسای مسیحیت بشنوند» (فیلمنوف، ۱۸۷۴: ۲۴۵).

در این میان اما یک نفر را نباید نادیده گرفت. به نظر و. ر. رُزن، کارهای ی. آ. مآلف، یکی از برجسته‌ترین نمایندگان اسلام‌شناسی تبلیغاتی کازان، مباحثه‌ای، کاربردی و مبتنی بر

شکل‌گیری اسلام‌شناسی روسی: از مذهب‌گرایی تابی طرفی علمی / ۹۱

پایه علمی بوده است (یادداشت‌های بخش شرقی انجمن باستان‌شناسی امپراتوری روس، ۱۸۹۳: ۳۶۶/۸). مبانی علمی در آثار بسیاری مشاهده می‌شود؛ اما مطمئناً نه در تمام کارهای منتشرشده در مجموعه ضداسلامی. بیشتر مؤلفان، شناخت زبان عربی، متن عربی قرآن، و بعضاً احادیث و منابع اسلامی را به نمایش می‌گذارند. اغلب، راجع به متون قرآن و انجیل تحلیل‌های مقایسه‌ای صورت می‌گرفت. آ. لیاپلداف با تکیه بر منابع دست اول مفصلاً مبانی باورها و آیین‌های اسلامی را با تعیین مرز دقیق میان مفاهیم «ایمان» و «دین» شرح می‌دهد (لیاپلداف، ۱۹۷۳). اولین زندگی‌نامه مفصل بنیان‌گذار اسلام به زبان روسی، تألیف ف. آ. اسمیرنوف، دانش‌آموخته آکادمی کازان، عنوان تندی دارد؛ *رابطه وحی‌های دروغین قرآن با شرایط زندگی محمد [ص]*. مؤلف به شمار فراوانی از منابع، از جمله احادیث، استناد کرده است؛ البته با توجه به روح زمانه به اندازه کافی انتقادی نبود. اسمیرنوف در تألیف این اثر از کتاب *اسباب النزول*، تألیف جلال‌الدین سیوطی (۱۴۴۵-۱۵۰۵)، الهی‌دان و متکلم معروف مسلمان، بسیار استفاده کرده است. این کتاب به طور کلی، بستر آرامی دارد و حاوی مشاهدات معتبر بسیاری درباره تأثیر برخی وقایع زندگی محمد [ص] بر قصه‌های قرآنی راجع به او است (اسمیرنوف، ۱۸۹۳).

اسلام‌شناسان کازان با آثار غربی معاصرشان، به‌خوبی آشنا بودند؛ تا جایی که اغلب، از آنها به عنوان منبع استفاده می‌کردند. بارها در *مجموعه تبلیغاتی ضداسلامی* به ک. د. پیرسیوال (Kossen de Perceval, Арман-Пьер/Armand-Pierre Caussin de Perceval) (۱۷۹۵-۱۸۷۱)، گ. وایل (Густав Вейль / Gustav Weil) (۱۸۰۸-۱۸۸۹)،^{۱۷} آ. شپرنگر (Мьюр/William Muir) (Шпренгер/Aloys Sprenger Alois) (۱۸۱۳-۱۸۹۳)،^{۱۸} و. مویر (Вильям Христиан Снук-Хюргронье / Christiaan Snouck Hurgronje) (۱۸۱۹-۱۹۰۵)،^{۱۹} خ. سنوک هورگرُنیه (Snouck Hurgronje) (۱۸۵۷-۱۹۳۶)،^{۲۰} ای. گلدزیهر و مؤلفان دیگر ارجاع داده شده است. ترجمه پنج اثر از مؤلفان خارجی، در *مجموعه تبلیغاتی ضداسلامی* به چاپ رسید. از جمله این آثار، *درآمد تاریخی و انتقادی بر قرآن*، نوشته گ. وایل است که عملکرد محمد [ص] را خیلی خوب ارزیابی کرده بود. در کل، *مجموعه تبلیغاتی ضداسلامی* حتی با وجود

ارزش علمی مسلم بسیاری از متونی که در آن جای گرفته، گرایشی کلی در توسعه مکتب کازان یا حرکت به سمت مطالعه واقعی تر و بی طرفانه تر اسلام پیش نمی نهد. آنچه در بالا گفته شد، ارتباطی به گ. س. سابلوگوف و ی. آ. مالف (۱۸۳۵-۱۹۱۸) ندارد. هر دوی اینان را می توان در قرآن و آثار اسلامی صاحب نظر دانست. این دو در آثارشان از اصول بررسی مقایسه ای متون استفاده می کردند. اولین ترجمه روسی قرآن که مستقیماً از زبان عربی صورت گرفته به همت سابلوگوف در ۱۸۷۸ انجام شده است. مالف هم آخیر زمان کتابی، اثر شیخ سلیمان باغیرقانی صوفی (۱۰۹۱-۱۱۸۶) را از زبان جغتایی ترجمه کرد. این کتاب، پایان جهان [را از دیدگاه اسلامی] روایت می کند. تقریباً همه کارهای سابلوگوف و مالف، [ویژگی] تندی آثار تبلیغاتی را دارند. حتی تحلیل دقیق متون هم در نهایت، در خدمت هدف اصلی آنان، یعنی رد اسلام است. مثلاً نتیجه گیری نهایی یکی از مهم ترین کارهای گ. س. سابلوگوف این بوده که هیچ «اثر آسمانی و الهی» (سابلوگوف، ۱۸۸۴: ۳۲۷) در قرآن وجود ندارد. و مالف در شرح و تبیین آخیر زمان کتابی تأکید می کند تصویری که اسلام از بهشت ترسیم می کند ساختگی و دروغ است و جهنم در انتظار مسلمانانی است که به منجی [در دین مسیحیت] ایمان نیاورده اند (مالفی، ۱۸۹۷: ۹۳-۹۴).

میخائیل الکساندروویچ ماشاناف (۱۸۵۲-۱۹۲۴)، نماینده برجسته اسلام شناسی کازان است. او کار خود را با انتشار متونی آغاز کرد که اولویت تبلیغات بر تحقیق علمی را به وضوح نشان می دادند. ماشاناف در ۱۸۸۵ اثر شرح زندگی اعراب در دوران محمد [ص]، *بسان درآمده بر مطالعه اسلام* را به چاپ رساند. در این کتاب تقریباً ۹۰۰ صفحه ای، بیشتر، اعتقادات اعراب، قبل از اسلام، بررسی شده است. در نهایت، مؤلف نتیجه می گیرد اندیشه خدای واحد که از طرف «خالق از همان آغاز پیدایش ما» (ماشاناف، ۱۸۸۵: ۱۷۰) [در نهاد انسان] به ودیعه گذاشته شده، همیشه در عربستان وجود داشته است؛ البته «نه به آن اندازه ناب که نزد یهودیان است» (همان: ۱۸۶). ماشاناف، اینجا در مسیر «نظریه توحید نخستین» حرکت می کند. مهم ترین طرفداران این نظریه، آندرو لنگ (Эндрю Лэнг / Andrew Lang) (۱۸۴۴-۱۹۱۲)^{۲۱} و ویلهلم شمیدت (Вильгельм Шмидт / Wilhelm Schmidt) (قرن ۱۹)

شکل‌گیری اسلام‌شناسی روسی: از مذهب‌گرایی تا بی‌طرفی علمی / ۹۳

(۱۸۶۸-۱۹۵۴)^{۲۲} (قرن ۲۰) بودند. ماشاناف، عملاً محمد [ص] را بنیان‌گذار دین جدیدی نمی‌دانست. ایراد روبرت جراسی هم به جا است که ماشاناف «می‌کوشید این تصور را که از خدمات اسلام، گسترش توحید میان بسیاری از اقوام جهان بوده، نابود کند» (جراسی، ۲۰۱۳: ۱۲۰). به همین دلیل، به نظر ما، به جای شروع «پایان دیدگاه‌های تبلیغاتی ضداسلامی او» (خاییبولین، ۲۰۰۴: ۲۱۰)، می‌توان از برخی اصلاحات در دیدگاه‌هایش سخن گفت؛ اصلاحاتی که بیشتر در انتخاب موضوع تحقیق به چشم می‌خورد. او در صحبت‌ها و سخنرانی‌هایش در اوایل قرن ۲۰ هم همچنان بر ضرورت انجام‌دادن مباحثات تبلیغاتی با اسلام پافشاری می‌کند (ماشاناف، ۱۹۱۰). وقتی برای دانشجویان بنیاد باستان‌شناسی و مردم‌شناسی شمال شرق، درباره اسلام سخنرانی می‌کرد (۱۹۱۹-۱۹۲۰)، فقط بر جوانب تاریخی، فرهنگی و مردم‌شناسی اسلام تأکید داشت و «اصلاً توجهی به جنبه‌های ایهاتی‌اش نمی‌کرد» (نک: خاییبولین، ۲۰۰۴: ۲۲۸). به‌سختی می‌توان قضاوت کرد؛ آیا وی صادقانه از دین‌گرایی دست برداشته؟ یا به این واقعیت رسیده که رویکردهای قدیمی در شرایط شوروی، عملی نخواهند بود؟

نیکالای پیترویچ آستارااوماف (۱۸۴۶-۱۹۳۰)، دانش‌آموخته آکادمی کازان، یکی دیگر از شخصیت‌های معروف مکتب اسلام‌شناسی کازان است. او از سال ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۷ ریاست گروه تحقیقات تبلیغاتی ضداسلامی را بر عهده داشت و پس از آن به ترکستان رفت. آثاری که در کازان به چاپ رسانیده بود، بیشتر حاوی اتهامات بود و موضوعات مهمی در آثارش (مانند موضع اسلام راجع به مسیحیت)، کاملاً مغرضانه تفسیر شده‌اند (مثلاً نک: آستارااوماف، ۱۸۷۲: ۱۳-۳۹). آستارااوماف در آثاری که اوایل قرن ۲۰ منتشر کرد، همچنان به نمایش علاقه خود به مسیحیت و نوشتن از «خرافه‌پرستی قرآن» (همو، ۱۹۱۶: ۴۹) ادامه داد. البته روی هم رفته، سبک نگارشش خیلی آرام‌تر شد. به عقیده این نویسنده مقاله حاضر، «حرکت آگاهانه مسلمانان به سمت روشنگری عموم انسان‌ها» (همو، ۱۹۱۰: ۳) حکایت از تمایل وی به بی‌طرفی و ضرورت دست‌برداشتن از لحن مباحثه‌ای و سخنان تند دارد (همو، ۱۹۱۶: ۲).

پ.ک. ژوزه (۱۸۷۰-۱۹۴۲) مهم‌ترین گام‌ها را در مسیر حذف شیوه مباحثه‌ای جدلی برداشت. او در خانواده‌ای ارتدوکس در اورشلیم متولد شد. ابتدا در آکادمی دینی مسکو (۱۸۹۲-۱۸۹۵) و سپس در آکادمی دینی کازان (۱۸۹۵-۱۸۹۶) تحصیل کرد. پایان‌نامه‌ای که درباره «معتزله» برای کارشناسی ارشد الاهیات ارائه کرده بود، غیرهمسان ارزیابی شد؛ ی. آ. مآلف قاطعانه آن را به عنوان اثری مباحثه‌ای نپذیرفت. با این حال ژوزه در ۱۸۹۸ با موفقیت دفاع کرد و کارش در مجموعه تبلیغاتی ضداسلامی به چاپ رسید. او آموزه‌های معتزله را «متعالی» و نزدیک به مسیحیت ارتدوکس توصیف می‌کند (ژوزه، ۱۸۹۹: ۲۴۴ و ۲۶۶). به نظر ژوزه، شایستگی معتزله در آن بود که آموزه‌های عقل‌گرایانه ایشان در باب اختیار انسان، نظام الاهیاتی مسلمانان را متزلزل کرد و ضعف‌های آن [نظام الاهیاتی مسلمانان] را به روشنی به مبلّغ دینی معاصر می‌نمود (همان: ۲۶۶-۲۶۷). او معتقد بود افزون بر مباحثات مستقیم، از راه‌های دیگری هم می‌شد بر اسلام پیروزی یافت؛ [از آن جمله] نشر فرهنگ مبتنی بر اصول مسیحیت، در میان مسلمانان و در نتیجه رشد بی‌اعتنایی در میان آنان، سبب روی‌آوردنشان به مسیحیت خواهد شد (همان: ۲۶۷-۲۶۹).

آن‌قدر نگاه ژوزه به مباحثه با اسلام متفاوت بود که به اختلاف او با ماشاناف و دیگر استاد آکادمی دینی کازان، م. گ. ایوانف انجامید. سال ۱۹۱۱ در جلسه‌ای با دستور کار پذیرش ژوزه در آکادمی دینی کازان به عنوان پروفیسور گروه زبان عربی و «افشاگری علیه اسلام»، ماشاناف نظر مخالف خود را به علت نگاه منفی ژوزه به مباحثات ضداسلامی اعلام کرد (صورت‌جلسات شورای آکادمی دینی کازان در سال ۱۹۱۱، ۱۹۱۲: ۴۴-۴۵). ژوزه در ۱۹۱۵ نوشته ایوانف درباره پرستش قدیسان در اسلام را، غیرعلمی خواند و به تندی نقد کرد. او می‌خواست به جای «تعمیق و بسط اختلافات» میان اسلام و مسیحیت، برای «نزدیکی آن دو» بکوشند (مصاحب ارتدوکس، ۱۹۱۵: ۱۵۳). ایوانف هم در پاسخ، به درستی یادآور شد که ژوزه با سنت آکادمی دینی کازان در باب تبلیغات دینی مباحثه‌ای، بیگانه است (همان: ۲۸۴). در نتیجه، پ. ک. ژوزه در ۱۹۱۶، آکادمی دینی کازان را ترک، و در دانشگاه کازان شروع به کار کرد. آنجا، در دانشکده حقوق، «حقوق اسلامی مرتبط با اسلام‌شناسی» تدریس می‌کرد.

شکل‌گیری اسلام‌شناسی روسی: از مذهب‌گرایی تا بی‌طرفی علمی / ۹۵

برنامه‌ای که م. آ. کاستروگوف برای آن دوره آموزشی منتشر کرده بود فاقد هر گونه موضوع مباحثه‌ای بوده است (کاستروگوف، ۲۰۱۴: ۲۳۱-۲۳۳).

اوج توسعه اسلام‌شناسی آکادمیک و تبلیغاتی کازان، در ۱۹۱۷ بوده است. کمی بعدتر، در ۱۹۲۱، پس از بسته‌شدن آکادمی دینی کازان، اسلام‌شناسی تبلیغاتی کازان هم از بین رفت. البته مطالعه اسلام در روسیه ادامه یافت؛ اما در شرایطی کاملاً متفاوت. از جمله موضوعاتی که در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۳۰ به بحث گذاشته می‌شد این بود که: آیا اسلام زاینده «برده‌داری» است یا زاینده «نظام فئودالی»؟ بسیاری از محققانی که به کار خود ادامه داده بودند، سرکوب شدند (از باب نمونه: آ. ا. شمیدت، آ. ی. کریمسکی، پ. ک. ژوزه، م. آ. ماشاناف). با این حال بنیان اسلام‌شناسی در روسیه آن‌قدر محکم بود که در وضعیت فشار ایدئولوژیکی هم، سنت پژوهشی ادامه یافت.^{۲۳}

ای. ل. آلیکسیف اعتقاد داشت دو مکتب آکادمیک و تبلیغاتی مخالف یکدیگر بودند (آلیکسیف، ۲۰۰۱: ۸۴)؛ اما م. آ. باتونسکی و ر. جراسی نظر دیگری داشتند. حقیقت آن است که آنها فقط جوانب مختلفی از اسلام‌شناسی روسی را در این دو مکتب می‌دیدند (باتونسکی، ۲۰۰۳: ۲۰۹/۲-۲۲۰؛ جراسی، ۲۰۱۳: ۱۲۷-۱۲۸). به نظر ما، این دو مکتب، اختلافات اساسی با یکدیگر دارند؛ اما نباید به صورت مطلق آنها را جدا کرد. هر دو مکتب، از روش‌های علمی استفاده می‌کردند. اسلام‌شناسان هر دو مکتب آکادمیک و کازان تحت تأثیر شدید دانشمندان غربی‌اروپایی بودند و روش‌ها و برخی نتیجه‌گیری‌های آنان را عیناً در آثارشان نقل می‌کردند. بدون تردید، مشخصه مکتب کازان، رویکرد دین‌گرایانه‌اش بود؛ اما کناره‌گیری تدریجی از آن هم کاملاً مشهود است. باید به این موضوع هم اشاره کرد که اسلام‌شناسان کازان بر مطالعه تعلیم و باورها در قرآن متمرکز بودند؛ در حالی که اسلام‌شناسان مکتب آکادمیک، توجه چندانی به آن نداشتند. اسلام‌شناسان آکادمیک با رویکرد دین‌گرایانه به صورت عریان، بیگانه بودند؛ در عین حال نمایندگان سنت فرهنگی روسی (اروپایی) بودند که مسیحیت را برتر از اسلام می‌دانست. اغلب ایشان (به‌خصوص و. ر. رُزن، آ. ی. کریمسکی و و. و. بارتولد) تحقیقات خود را به سیاست دولت راجع به اقوام مسلمان روسیه مرتبط می‌کردند.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که هر دو مکتب سهم بسیار در شکل‌گیری مطالعه اسلام داشته‌اند. ممکن است مقایسه فعالیت دو مکتب تبلیغاتی و آکادمیک، کار پیش‌پاافتاده‌ای به نظر برسد؛ اما بحث‌های دامنه‌دار راجع به میراث شرق‌گرایی (نک: شرق‌گرایی در برابر شرق‌شناسی، ۲۰۱۶؛ امپراتوری روسیه در تاریخ‌نگاری خارجی، ۲۰۰۵) و نقش اسلام‌شناسی (علی‌اکبراف، ۲۰۱۶) به عنوان یک علم، اهداف، روش‌ها و رویکردهایش حاکی از اهمیت مطالعه تاریخ اسلام‌شناسی در روسیه است. وقتی از شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی در روسیه سخن می‌گوییم، نباید خصایص تکامل آنها در اوضاع و احوال موجود در امپراتوری [روسیه]، مثل «شرق خود [روسیه]» و ضرورت همگرایی اقلیت‌های قومی مناطق شرقی و جنوبی را، فراموش کنیم (برای اطلاع بیشتر نک: تلتس، ۲۰۱۳). شاید متناقض به نظر برسد؛ اما بسیاری از مسائل اسلام‌شناسی سده ۱۹ و ۲۰، امروز هم مهم‌اند. مطمئناً رویکردهای دیگری جایگزین رویکرد اثبات‌گرایانه همراه با تفکر گفتمانی منطقی شده است؛ اما نیاز به شناخت عینی اسلام همچنان باقی است و این، نیازمند مطالعه منابع دست اول با رویکرد متنی تاریخی، و تسلط بر دستگاه مفهومی [اسلام] است. همه اینها در مکاتب اسلام‌شناسی نیمه دوم سده ۱۹ تا آغاز سده ۲۰ وجود داشته است. به نظر نویسندگان مقاله حاضر، جلب توجه و ایجاد علاقه [امروزیان] به میراث دانشمندان هر دو مکتب آکادمیک و تبلیغاتی ضرورت دارد؛ چراکه هر نسلی، مفاهیم جدیدی را در منابعی که پیش‌تر مطالعه شده می‌یابد.

پی‌نوشت‌ها

۱. دو اصطلاح در زمینه ادیان روسیه وجود دارد: внутренняя религия به معنای دین درونی و традиционная религия به معنای دین سنتی (م).
۲. مسیحیت مشایخی یا پرسبیتریانیسم شاخه‌ای از مسیحیت کالونی در میان شاخه‌های پرشمار پروتستانتیسم است، که ریشه‌اش به جزایر بریتانیا بازمی‌گردد (م).

شکل‌گیری اسلام‌شناسی روسی: از مذهب‌گرایی تابی طرفی علمی / ۹۷

۳. در مراکز تربیت دیپلمات‌ها در کنار زبان‌های شرقی درس‌هایی مانند تاریخ جهان اسلام و آشنایی با دین اسلام هم تدریس می‌شد و معمولاً همان دانشمندانی که در دانشگاه پترزبورگ و دانشگاه مسکو مشغول به کار بودند، در این مراکز هم پاره‌وقت کار می‌کردند (م.).

۴. شرق‌شناس فرانسوی، نویسنده آثاری درباره جنگ‌های صلیبی و زبان عربی و عضو فرهنگستان علوم سن پترزبورگ (م.).

۵. شرق‌شناس آلمانی؛ فهرست نسخ خطی شرقی درسدن از او است. وی همچنین عضو فرهنگستان علوم سن پترزبورگ بوده است (م.).

۶. کتاب‌شناس، تاریخ‌دان و شرق‌شناس معروف هلندی (م.).

۷. شرق‌شناس هلندی و عضو آکادمی سلطنتی علوم و هنر هلند؛ او بیش از هر چیز به سبب بر عهده داشتن مسئولیت ویراستاری نخستین دانش‌نامه پژوهشی استاندارد در زمینه تاریخ اسلام، با عنوان دانش‌نامه اسلام شناخته شده است (م.).

۸. شرق‌شناس، نویسنده، مترجم و تاریخ‌شناس فرانسوی (م.).

۹. یکی از شرق‌شناسان برجسته آلمانی و از مترجمان قرآن به زبان آلمانی (م.).

۱۰. شرق‌شناس مشهور مجار که او را به همراه تئودور نولدکه و کریستین اسنوک هورگرونیه از پایه‌گذاران اسلام‌شناسی جدید در اروپا می‌دانند (م.).

۱۱. آرشیو نامه‌های و. ر. رُزن در شعبه آکادمی علوم روسیه، گواه وسعت مکاتبات او با دانشمندان اروپایی است (نک: مخزن ۷۷۷، فهرست ۲).

۱۲. این سه اثر بارتولد و. عبارت‌اند از: اسلام: شرح کلی، پتروگراد: انتشارات آگنی، ۱۹۱۸؛ فرهنگ اسلام: شرح کلی، پتروگراد: انتشارات آگنی، ۱۹۱۸ و جهان اسلام، پتروگراد: انتشارات نائوکا ای اشکولا، ۱۹۲۲.

۱۳. این بنیاد به همت خانواده‌ای ارمنی به نام لازاریان در ۱۸۱۵ در مسکو ایجاد شد. در این بنیاد، شرق‌شناسی و به‌ویژه ارمنستان‌شناسی دایر بود و به نوعی مرکز فرهنگی گروه‌های ارمنی به شمار می‌رفت. بسیاری از متخصصان در حوزه جنوب قفقاز از دانش‌آموختگان این بنیاد بودند. نقش این مرکز علمی همگام با پیشرفت و توسعه امپراتوری تزاری پُررنگ شد و این مرکز کارمندان و مترجمان بسیاری برای فعالیت در قفقاز و آسیای مرکزی تربیت کرد. ساختمان تاریخی این مرکز امروزه در اختیار سفارت ارمنستان در مسکو قرار دارد (م.).

۱۴. دائرةالمعارف براكهاوس و یفرن (ЭСБЕ) (Энциклопедический словарь Брокгауза и Ефрона) در دو قالب ۴۱+۲ و ۸۲+۴ جلدی مابین سال‌های ۱۸۹۰-۱۹۰۷ در امپراتوری روسیه انتشار یافت. این دانش‌نامه در خود ۱۲۱۲۴۰ مدخل، ۷۸۰۰ تصویر و ۲۳۵ نقشه را جای داده است و تاکنون چندین بار به نام‌های مختلف به صورت گزیده به چاپ رسیده است (م).

۱۵. روسی‌سازی: Русификация و инородцев обрусение (انگلیسی: Russification) به روند یکسان‌سازی فرهنگی جوامع غیرروس، در دوره شوروی اشاره دارد (م).

۱۶. شرق‌شناس فرانسوی که مدت مدیدی در بخش آسیای ترکیه زندگی کرده است. وی استاد زبان و ادبیات عربی بود و در پاریس به تدریس اشتغال داشت و چندین اثر از خود به یادگار گذاشته است. پدرش ژان ژاک نیز از شرق‌شناسان معروف است (م).

۱۷. شرق‌شناس آلمانی یهودی؛ زبان عربی را در پاریس، الجزائر و مصر فرا گرفت (م).

۱۸. شرق‌شناس و ایران‌شناس اتریشی که با ۲۵ زبان، از جمله فارسی، آشنا بود (م).

۱۹. شرق‌شناس اهل اسکاتلند که در زمینه تاریخ اسلام فعالیت می‌کرد. مویر همچنین به عنوان مبلغی مسیحی فعالیت می‌کرد. ادوارد سعید نوشته‌های مویر در زمینه اسلام را به فقدان بی‌طرفی علیه اسلام متهم می‌کند و به گفته دانیل مارتین واریسکو، امروزه مورخان جدی توجه چندانی به نوشته‌های او نمی‌کنند (م).

۲۰. شرق‌شناس هلندی و استاد زبان عربی دانشگاه لیدن (م).

۲۱. اهل اسکاتلند، انسان‌شناس دین، شاعر، منتقد ادبی و مترجم (م).

۲۲. مردم‌شناس و زبان‌شناس آلمانی و از کشیشان کلیسای کاتولیک رومی و بنیان‌گذار نظریه «توحید نخستین»؛ وی دانش‌آموخته دانشگاه‌های برلین و وین بود. عمدتاً در اتریش اقامت داشت و در دانشگاه وین تدریس می‌کرد. مؤسسه‌های انسان‌شناختی در مودلینگ تأسیس کرد و مدیریت آن را بر عهده گرفت. اشمیت در ۱۹۳۸ به مقام استادی دانشگاه فرایبورگ رسید. نظریه‌هایش درباره منشأ اولیه ایده خدا، برخلاف نظریه رایج جامعه‌شناسی که در آن چندگانه‌پرستی سرانجام جای خود را به یکتاپرستی می‌دهد، در صدد بود مفهوم یکتاپرستی اولیه را به وجود آورد (م).

۲۳. نک.:

Kemper, M. (2016) "Krachkovskii and Soviet Arabic Studies, or: What is not in Among Arabic Manuscripts", in "Introduction" to I. Y. Kratchkovsky, *Among Arabic Manuscripts: Memories of Libraries and Men*, pp. 1-24, Leiden: Brill Classics in Islam.

منابع

مواد آرشیوی

- یادداشت‌های بخش شرقی انجمن باستان‌شناسی امپراتوری روس (ЗБОРАО) (۱۸۸۶). ج ۱، ص ۳۸-۴۵.
- یادداشت‌های بخش شرقی انجمن باستان‌شناسی امپراتوری روس (ЗБОРАО) (۱۸۸۷). ج ۲، ص ۲۸۳-۳۰۱.
- یادداشت‌های بخش شرقی انجمن باستان‌شناسی امپراتوری روس (ЗБОРАО) (۱۸۹۳). ج ۸، ص ۳۶۲-۳۶۷.

منابع چاپی

- «اخباری از بخش تبلیغاتی» (۱۸۷۳). مجموعه تبلیغاتی ضداسلامی، ش ۱، کازان: اونیورسیتسکایا لیتراتورا، ص ۱-۱۶.
- آستاراوماف، ن. پ. (۱۹۱۰). اسلام‌شناسی، بخش اول: عربستان، مهد اسلام، تاشکند: تیپوگرافیا پری کانتسلیاریی ترکستانسکاوا گنرال-گوبرناترا.
- آستاراوماف، ن. پ. (۱۹۱۶). اسلام‌شناسی: اصول اعتقادی در قرآن، مسکو: روسکایا پچاتنایا.
- آستاراوماف، ن. پ. (۱۸۷۲). «یادداشتی بر اهمیت اسلام در مسیحیت و تاریخ بشر»، مصاحب ارتدوکس، بخش ۳، سپتامبر، ص ۱۳-۳۹.
- آلیکسیف، ای. ل. (۲۰۰۱). «اسلام‌شناسی تبلیغاتی در کازان و مسئله درک اسلام در جامعه روسی»، دین شناسی، ش ۱، ص ۸۴.
- امپراتوری روسیه در تاریخ‌نگاری خارجی: کارهای سال‌های اخیر (منتخبات) (۲۰۰۵). گردآورندگان: پ. ورت، پ. س. کابیتاف و آ. ای. میلر، مسکو: نوایه ازداتلستوا.
- بارتولد، و. و. (۱۹۱۸). اسلام: شرح کلی، پتروگراد: انتشارات آگنی.
- بارتولد، و. و. (۱۹۱۸). فرهنگ اسلام: شرح کلی، پتروگراد: انتشارات آگنی.
- بارتولد، و. و. (۱۹۲۲). جهان اسلام، پتروگراد: انتشارات نائوکا ای اشکولا.
- بارتولد، و. و. (۱۹۱۲). «خلیفه و سلطان»، جهان اسلام، ش ۱، ص ۲۰۳-۲۲۶ و ۳۴۵-۴۰۰.
- بِسْمِرتنایا، اُ. (۲۰۱۷). «آیا فقط حاشیه‌نگاری هستند؟ سه مورد «استفاده مسلمانان از زبان روسی» در اواخر دوران امپراتوری روسیه»، مجله اسلام‌شناسی، ش ۱ (۷)، ص ۱۴۴-۱۴۵.

- بکین، ر. ای. (۲۰۱۷). «شمیدت آ. ا. و خادژتلاشه م. ب.: داستان یک اختلاف بر سر مجله جهان اسلام»، عصرلار آوازی: پژواک قرن‌ها (به ترکی تاتاری)، ش ۳-۴، ص ۲۵۴-۲۶۶.
- بکین، ر. ای. (۲۰۱۶). «گروه اسلام‌شناسی دانشگاه پتروگراد (بخشی از زندگی‌نامه آ. ا. شمیدت که شهرت کمی دارد»، آرس اسلامیکا: در بزرگ‌داشت استانیسلاو میخایلوویچ پروزورف، ویراستار: م. ب. پیاترفسکی و آ. ک. علی‌اکبراف، مسکو: نائوکا (واستوچنایا لیتراتورا)، ص ۷۷-۹۵.
- تاریخ شرق‌شناسی در کشور از اواسط قرن ۱۹ تا سال ۱۹۱۷ (۱۹۹۷). ویراستار: ویگاسین آ. آ. و دیگران، مسکو: انتشارات واستوچنایا لیتراتورا.
- تلتس، و. (۲۰۱۳). «شرق خود روسیه»: سیاست برابری و شرق‌شناسی در اواخر دوران امپراتوری و اوایل دوران شوروی، مسکو: نوایه لیتراتورنایه آبازرینیه.
- تیرنفسکی، س. (۱۸۹۲). یادداشت تاریخی درباره وضعیت آکادمی دینی کازان بعد از اصلاحات، کازان: تیوگرافیا ایمپراتورسکاوا اونیورسیتیتا.
- جهان اسلام (با ویراستاری و. بارتولد) (۱۹۱۲). ش ۱، سن پترزبورگ: ایزدانبه ایمپراتورسکایا آبشستوا واستوکاوندنیا.
- خایبولین، م. ز. (۲۰۰۴). برگی از تاریخ اسلام‌شناسی در کازان از نیمه دوم قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم (میخاییل الکساندراویچ ماشاناف)، کازان: انتشارات فن، ۲۰۰۴.
- دالینینا، آ. آ. (۱۹۹۴). غلام دین، سن پترزبورگ: مرکز پتربورگسکویه واستوکاودنیه.
- دانتسیگ، ب. م. (۱۹۶۸). مطالعات خاور نزدیک در روسیه (قرن ۱۹ تا اوایل قرن ۲۰)، مسکو: انتشارات نائوکا.
- رازوماف، ن. (۱۸۷۶). «نقش تاریخی محمد [ص]»، مجموعه تبلیغاتی ضداسلامی، ش ۱۱، کازان: اونیورسیتیتسکایا تیوگرافیا، ص ۱-۲۳۱.
- زنامینسکی، پ. و. (۱۸۹۲). به یاد نیکالای ایوانوویچ ایلمینسکی، کازان: تیوگرافیا ن. یا. ایلیاشنکا.
- ژوزه، پ. ک. (۱۸۹۹). «معتزله: پژوهش‌های تاریخی اعتقادی در اسلام»، مجموعه تبلیغاتی ضداسلامی، چاپ بیست‌ودوم، کازان: تیوگرافیا ای لیتوگرافیا و. م. کلوچنیکاف، ص ۱-۲۶۹.

شکل‌گیری اسلام‌شناسی روسی: از مذهب‌گرایی تا بی‌طرفی علمی / ۱۰۱

سابلوگوف، گ. س. (۱۸۸۴). درباره قرآن: کتاب قانون تعلیمات اسلامی، کازان: اونیورسیتیتسکایا تیپوگرافیا.

اسمیرنوف، ف. (۱۸۹۳). «رابطه وحی‌های دروغین قرآن با شرایط زندگی محمد [ص]»، مجموعه تبلیغاتی ضداسلامی، ش ۱۹، کازان: اونیورسیتیتسکایا تیپوگرافیا، ص ۱-۳۸۰.

شرق‌گرایی در برابر شرق‌شناسی: مجموعه مقالات (۲۰۱۶). گردآورنده: و. اُبابروُنیکف و سید جواد میری، مسکو: انتشارات صدرا.

شمیدت، آ. ا. (۱۹۱۲). «جستارهایی درباره تاریخ دین اسلام»، جهان اسلام، ش ۱، ص ۳۲-۵۵، ۱۸۵-۲۰۲ و ۵۶۲-۵۸۱.

شمیدت، آ. ا. (۱۹۱۴). «عبدالوهاب شعرانی و کتاب الدرر المثلثه فی بیان زبد العلوم المشهوره (دانه‌های مروارید ریخته‌شده) او»، سن پترزبورگ: تیپوگرافیا ایمپراتورسکای آکادمی نائوک.

صورت‌جلسات شورای آکادمی دینی کازان در سال ۱۹۱۱ (۱۹۱۲). کازان: سترالنایا تیپوگرافیا.

علی‌اکبراف، آ. ک. (۲۰۱۶). «اسلام‌شناسی در روسیه، موضوع و جایگاه آن در نظام علوم انسانی (به دنبال مباحثه‌ای علمی)»، آرس اسلامیکا: در بزرگ‌داشت استانیسلاو مینخالیوویچ پروزوروف، ویراستار: م. ب. پیاترفسکی و آ. ک. علی‌اکبراف، مسکو: نائوکا (واستوچنایا لیتراتورا)، ص ۵۱-۷۶.

فارتوناتوف، یا. (۱۸۷۵). «اندیشه‌های قرآن، موافق در جهت روی آوردن مسلمانان به مسیحیت»، مجموعه تبلیغاتی ضداسلامی، ش ۷، کازان: اونیورسیتیتسکایا تیپوگرافیا، ص ۱-۱۱۱.

فیلیمنوف، آ. (۱۸۷۴). «دلایل سلامت کتاب‌های عهد جدید [از تحریف]، در رد بر مسلمانان»، مجموعه تبلیغاتی ضداسلامی، ش ۳، کازان: تیپوگرافیا کاکوینوی، ص ۲۴۵.

کاستروگوف، م. آ. (۲۰۱۴). «برگی از تاریخ تدریس حقوق اسلامی در کازان»، دنیای چندفرهنگی منطقه میانی حوزه رودخانه ولگا: ابعاد اجتماعی، مردم‌شناختی و تاریخی، ج ۱، کازان: ایزداتلستوا ک. ن.

ی. ت. او، ص ۲۲۸-۲۳۴.

کاظم‌بیگ، آ. ک. (۱۸۶۵). باب و بابیان: اغتشاشات دینی و سیاسی ایران در سال‌های ۱۸۴۴-۱۸۵۲، سن پترزبورگ: انتشارات تیپوگرافیا و. ن. مایکوف.

کاظم‌بیگ، م. آ. (۱۸۵۹). «مریدیه و شامل»، واژه روسی، ش ۱۲، ص ۱۸۲-۲۴۶.

- کاظم‌بیگ، م. م. آ. (۱۸۵۹). *واژه‌یاب جامع قرآن*، سن پترزبورگ: تیپوگرافیا آکادمی نائوک.
- کانتمیر، د. ک. (۱۷۲۲). *کتاب سیستیمایا وضعیت دین محمد [ص]*، سن پترزبورگ: تیپوگرافیا تسارتسویوشاوا سانت‌پیتربورخا.
- کراچکفسکی، ای. یو. (۱۹۵۸). «جستاری بر تاریخ عرب‌شناسی روسیه»، *کراچکفسکی ای. یو. آثار برگزیده*، ج ۵، ایزداتلستوا آکادمی نائوک س. س. ر.، ص ۹-۱۹۲.
- کراچکفسکی، ای. یو. (۱۹۵۸). «و. بارتولد در تاریخ اسلام‌شناسی»، *کراچکفسکی ای. یو. آثار برگزیده*، ج ۵، مسکو: ایزداتلستوا آکادمی نائوک س. س. ر.، ص ۳۴۸-۳۶۰.
- کریمسکی، آ. ای. (۱۸۹۹). *اسلام و آینده آن*، مسکو: انتشارات ماگازین کنیزنایه دلا.
- جراسی، ر. (۲۰۱۳). *پنجره‌ای رو به شرق: امپراتوری، شرق‌گرایی، ملت و دین در روسیه*، مسکو: نوایه لیتراتورنایه آبازرینیه.
- لیاُلداف، آ. (۱۹۷۳). «تجربه تشریح اسلام بر اساس آموزه‌های حنفیان»، *مجموعه تبلیغاتی ضداسلامی*، ش ۲، کازان: تیپوگرافیا کاکوینوی، ص ۱-۲۴۶.
- ماشاناف، م. آ. (۱۸۸۵). *شرح زندگی اعراب در دوران محمد [ص] به مثابه درآمدی بر مطالعه اسلام*، کازان: اونیورسیتسکایا تیپوگرافیا.
- ماشاناف، م. آ. (۱۹۱۰). *وضعیت امروز تاتارهای مسلمان و مناسبات آنان با اقوام دیگر*، کازان: تیپو-لیتوگرافیا ای. س. پُرف.
- مألف، ی. آ. (۱۸۹۷). *آخر زمان کتابی: آموزه‌های اسلام درباره پایان جهان*، کازان: تیپو-لیتوگرافیا ایمرپراتورسکاوا اونیورسیتیتا.
- مصاحب ارتدوکس (۱۹۱۵). اکتبر-دسامبر، ص ۲۷۶-۲۹۲.
- مصاحب ارتدوکس (۱۹۱۵). سپتامبر، ص ۱۴۱-۱۵۳.
- میراث میرزا کاظم‌بیگ: گذشته و معاصر، سخنرانی‌ها و اطلاعاتیه‌های کنفرانس علمی بین‌المللی (شهر کازان، ۲۰-۲۱ نوامبر ۲۰۱۳) (۲۰۱۴-۲۰۱۵). کازان-سن پترزبورگ-باکو: فالینت.
- والیف، ر. م. (۱۹۹۸). *شرق‌شناسی در کازان: خاستگاه و تکامل (قرن ۱۹ تا دهه دوم قرن ۲۰)*، کازان: انتشارات کازانسکی اونیورسیتیت.

شکل‌گیری اسلام‌شناسی روسی: از مذهب‌گرایی تا بی‌طرفی علمی / ۱۰۳

کاظم‌بیگ، آ. ک. (۱۸۶۰). «اسلام، محمد [ص]»، *واژه روسی*، ش ۱۰، ص ۲۷۰-۳۰۲.
کریمسکی، آ. ای. (۱۹۰۴). *تاریخ اسلام*، بخش ۱-۲، مسکو: تیپوگرافیا و. گاتسوک.
باتونسکی، م. آ. (۲۰۰۳). *روسیه و اسلام*، ج ۲-۳، مسکو: انتشارات پراگرس - ترادیتسیا.